

بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی (ع)

عفت خوشنودی / کارشناس ارشد دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان

اصغر منتظرالقائم / دانشیار دانشگاه اصفهان

چکیده

«وقف» که به معنای «حفظ اصل مال و استفاده از منافع آن برای تأمین نیازهای دیگران» است، یکی از روش‌های پسندیده جوامع برای کمک به مردم، به ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه انسانی است. این کار انسان‌دوستانه در جوامع انسانی از دیرباز، به شکل‌های گوناگون وجود داشته؛ اما با ظهور اسلام، با راهنمایی‌های گفتاری و رفتاری رسول خدا (ص) به خوبی در رفتار مسلمانان جای گرفته است. با مطالعه منابع تاریخی و کتب متعدد حدیثی به جایگاه سنت حسنة وقف در کلام و سیره عملی پیامبر عظیم‌الشان (ص) و همچنین صحابیانشان و ائمه معصومین (ع)، به ویژه موقعیت ممتاز و بی‌نظیر امام علی (ع) پی می‌بریم.

حضرت علی (ع)، در طول عمر بابرکت خویش، بخصوص در مدت ۲۵ سال سکونت ایشان، به حفر چاه، احداث نخلستان و ایجاد مزارع و کشتزارهای متعدد مشغول بودند و سپس تمامی این اموال و دارایی‌ها را که به برکت بازوان پرتوان خود ایجاد کرده بودند، وقف نیازمندان نمودند و در حالی به ملاقات پروردگار شتافتند که از اموال دنیا، چیزی جز ۷۰۰ درهمی که از سهم بیت‌المال خویش برای مایحتاج خانواده کنار گذاشته بودند، چیزی نداشتند. بر اساس اسناد موجود، به طور کلی، موقوفات آن حضرت شامل وقف بیش از ۱۰۰ (یا ۱۷۰) حلقه چاه در منطقه ینبع و چاه‌ها و چشمه‌های بی‌شمار دیگر در مناطق گوناگون، به ویژه در شهر مدینه و نواحی اطراف آن، وقف نخلستان‌ها و کشتزارهای متعدد، وقف خانه، وقف مسجد و مانند آن است.

این مقاله در پی پاسخ به سه سؤال کلیدی است: ۱. میزان و تعداد موقوفات حضرت علی (ع) چقدر بوده است؟ ۲. موقوفات حضرت علی (ع) شامل چه چیزهایی بوده است؟ ۳. علت وقف این موقوفات چه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: علی (ع)، وقف، موقوفات، چاه.

مقدمه

در بیان معنا و مفهوم واژه «وقف» و «موقوفات» تعاریف متعددی در کتب فقهی آورده شده است که برای نمونه، به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. شهید اول (شیخ شمس‌الدین محمد) درباره این واژه می‌نویسد: «تحبیس العین و تسبیل المنافع»؛ وقف حبس مال و استفاده از منافع آن است. (شهید اول، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۰)
۲. امام خمینی رحمه‌الله «وقف» را چنین معنا نموده است: «حبس کردن اصل مال و استفاده از منافع آن». (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۳)

۳. در قانون مدنی، ذیل تعریف «وقف» آمده است: «عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۵۷)

در نتیجه، باید بگوییم: «وقف» عبارت است از: حبس کردن ملک یا مالی از هرگونه تصرفی در اصل آن، و مشخص کردن اینکه منافع آن در چه راهی صرف شود.

در تعریف «موقوفات» آمده است: تمام اموال و دارایی‌هایی است که واقف آن‌ها را وقف می‌کند. در واقع، رکن اصلی وقف همین موقوفات است و به سبب وجود همین موقوفات است که وقف‌نامه تنظیم و نوشته می‌شود. (فروزش، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱)

چرایی نوع موقوفات حضرت علی علیه السلام

طبق گواهی تاریخ و اسناد و مدارک موجود، حضرت علی علیه السلام بیش از همه موقوفات داشتند، هم در میان افراد زمان خود و هم در میان سایر ائمه معصوم علیهم السلام.

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است درباره چرایی موقوفات آن حضرت نکاتی را متذکر شویم: اینکه چرا حضرت امام علی علیه السلام به این نوع موقوفات روی آوردند؟ آیا نیاز جامعه آن زمان اقتضا می‌کرد یا دلایل دیگری داشته است؟

حضرت علی علیه السلام گرچه در سنت گفتاری خود، همه فعالیت‌های مفید اقتصادی، اعم از صنعت، تجارت، خدمات و کشاورزی را تشویق کرده، (محمّدی ری‌شهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۷۱-۱۷۴)، اما شخصاً فعالیت کشاورزی را برگزیده‌اند.

برای این انتخاب، دست‌کم سه علت می‌توان ذکر کرد:

اول. شرایط محیطی و اقتصادی مدینه؛ برخلاف شرایط مکه، که با تجارت و دام‌پروری سازگاری بیشتری داشت و به همین سبب، مردم آنجا بیشتر در این دو رشته به فعالیت می‌پرداختند، مدینه به سبب داشتن خاک حاصل‌خیز و آب و هوای مساعد، با زراعت بیشتر مناسبت داشت. پیامبر اکرم (ص) هم پس از مهاجرت به مدینه، به قریشیان فرمودند: «ای جماعت قریش، شما دام‌پروری را بیشتر دوست دارید؛ از آن بکاهید. شما اکنون در سرزمینی قرار گرفته‌اید که بارش کمتری دارد، پس زراعت کنید؛ زیرا زراعت مایهٔ برکت است، و در آن از ابزار شخم زیاد استفاده کنید.» (بیهقی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۹)

دوم. نقش زیربنایی کشاورزی و باغداری و احداث نخلستان‌ها در توسعهٔ اقتصادی آن زمان؛ در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «مردی نزد علی (ع) - کیسه‌ای از هستهٔ خرما دید و پرسید: یا علی، این همه هستهٔ خرما را به چه منظور جمع کرده‌اید؟ حضرت پاسخ دادند: همهٔ این‌ها ان‌شاءالله درخت خرما خواهد شد. راوی می‌گوید: که امام آن هسته‌ها را کاشتند و نخلستانی ایجاد کردند و سپس آن را بر فقرا و فی سبیل‌الله وقف نمودند.» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۵۴۳ / حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۳۰۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۳۹ / نوری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۱۲)

سوم. سازگاری آن با قاعدهٔ رفتاری آن حضرت؛ ظاهراً تردیدی در این وجود ندارد که فعالیت کشاورزی با وجود فایدهٔ زیاد اجتماعی آن، به ویژه فراهم نمودن نیازهای حیاتی اقشار کم درآمد، از نظر اقتصادی دارای سودآوری کمتر و از نظر اعتبارات اجتماعی و عرفی دارای منزلت کمتر و به همین سبب، کاری پرزحمت و کم سود، ولی در عین حال، پر خیر و برکت به شمار می‌آید. از این رو، انتخاب چنین فعالیتی برای آن حضرت کاملاً طبق قاعده بود. امام باقر (ع) در این زمینه فرمودند: «حضرت علی (ع) همواره از میان دو کاری که هر دو مرضی پرورگار بود کاری را انتخاب می‌کردند که تحمل آن دشوارتر بود.» (محمّدی ری‌شهری، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۲۲۷)

موفقیت‌های اقتصادی امام علی (ع) نشان می‌دهد که ایشان در کار تولید، از دانش و مهارت بالایی برخوردار بودند. ایشان با یک بررسی مختصر، وجود منابع عظیم آب در مناطق گوناگون را به درستی تشخیص دادند و در مدت نسبتاً کوتاهی قریب صدها حلقه چاه در مدینه و مناطق دیگر حفر کردند.

اهمیت حفر چاه در عربستان

عربستان از مناطق کم باران جهان است و بیابان‌ها و کویرهای گسترده‌ای دارد که در بیشتر فصل‌های سال، آفتاب گرم و سوزان بر آن می‌تابد و شرایط زیست گیاهان، حیوانات و آدمیان را دشوار می‌سازد. در سرزمین‌هایی از این قبیل، استخراج آب‌های زیرزمینی از طریق حفر چاه، احداث چشمه و قنات مناسب‌ترین راه برای به دست آوردن آب است، و می‌توان گفت: در این‌گونه اقلیم‌ها، چاه سهم عظیمی در تمدن بشری داشته است. از این‌رو، ساکنان عربستان به خوبی به تأثیر مهمی که چاه می‌تواند در زندگی آنان داشته باشد پی برده بودند، آنان برای ادامه زندگی، از آب چاه استفاده می‌کردند و اطراف چاه‌ها را برای سکونت خود برمی‌گزیدند و گاه برای تصرف و تملک چاه‌ها، جنگ‌های خونینی به راه می‌انداختند.

چاه‌ها به اندازه‌ای برای آنان اهمیت داشت که بسیاری از مسائل فرهنگی آنان به گونه‌ای به آن‌ها مرتبط بود، برای نمونه؛ آنان بسیاری از چاه‌ها را به اسامی قبیله‌ها، مکان‌ها و اشخاص نام‌گذاری می‌کردند.

در آن روزگار، عرب چند مشکل اساسی درباره چاه‌ها داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از:

۱. نداشتن ابزار مناسب برای حفر چاه و آشنا نبودن با شیوه‌های کندن آن؛
۲. فقدان قانونی که با آن بتوان مسائل حقوقی چاه‌ها را مشخص کرد؛ یکی از علل جنگ‌های خونینی که گاه بر سر تصرف چاه‌ها به راه می‌افتاد به همین نکته بازمی‌گشت.
۳. رعایت نکردن مسائل بهداشتی.

پس از ظهور اسلام، مشکلات یاد شده به میزان گسترده‌ای حل شد، اما مهم‌ترین مشکل، یعنی کمبود چاه‌های آب همچنان برای جامعه اسلامی باقی ماند؛ زیرا ابزار چاه‌کشی بسیار ساده و حفر چاه - به گونه‌ای که به آب برسد و نیاز مردم را برآورده سازد - در زمره اعمال دشوار به شمار می‌رفت. برای حل این مشکل، به مردانی پولادین نیاز بود که پا در صحنه بگذارند و با عزمی راسخ و همتی والا، زمین‌های خشک را تا اعماق حفر کنند و با بیرون آوردن آب، به زمین خرمی و سرسبزی ببخشند و کام تشنه آدمیان، حیوانات و گیاهان را سیراب سازند. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام از جمله این مردان بزرگ، که پیوسته به دنبال خدمت به خلق به منظور رفع نیازهای آن‌ها بودند.

انگیزه‌های حضرت علی (ع) از حفر چاه

از بررسی تاریخ و روایات، نتیجه‌گیری می‌شود که حضرت علی (ع) انگیزه‌های ذیل را از حفر چاه دنبال می‌کردند:

۱. سرسبزی و خرمی زمین؛ گیاه زمین را به نشاط می‌آورد و بدان خرمی و حیات می‌بخشد. بر پایه روایات متعدد، حضرت علی (ع) به کاشت در ختان علاقه‌ای وافر داشتند و می‌فرمودند: «ثَلَاثَةُ يُذْهِبْنَ عَنْ قَلْبِ الْحُزْنِ؛ الْمَاءُ وَالْخَضِرَاءُ وَالْوَجْهُ الْحَسَنُ»؛ نگاه به سه چیز غم را می‌زداید: آب، سبزی و چهره زیبا. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۲-۲۶ / صدوق، ۱۴۱۴، ص ۹۲)
۲. تأمین هزینه زندگی و امرار معاش؛ این کار در منطق اهل بیت (ع) جنبه عبادی داشت. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که برای تأمین نیازهای خانواده‌اش، خود را به زحمت بیندازد، اجر مجاهد در راه خدا را دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۲۶)
۳. درآمد برای تأمین نیازهای نیازمندان؛ علامه مجلسی (ع) نقل کرده است که درآمد غله آن حضرت چهل هزار دینار بود و همه را صدقه می‌داد و شمشیر خود را نیز فروختند و فرمودند: «اگر غذای شب داشتم، آن را نمی‌فروختم.» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۸۸)
۴. حفر چاه برای حجاج بیت‌الله الحرام؛ این چاه‌ها در مسیر حاجیان حفر شده‌اند تا هنگام سفر به مکه معظمه، برای مصرف، از آب این چاه‌ها استفاده کنند. با توجه به مسافت طولانی بین مکه و مدینه و کمی آبادی و آب در این مسیر، این چاه‌ها در آسان کردن مسافرت به سمت مکه نقش مهمی داشته‌اند.
۵. ایجاد رفاه برای مسافران بین شهرها؛ با توجه به اینکه ارتباطات نقش مهمی در توسعه فرهنگ و اقتصاد جامعه دارد، وجود آب، آبادانی و امنیت در مسیر سفر تأثیر بسزایی در انجام این مسافرت‌ها داشته است.
۶. تهیه آب برای نوشیدن مردم و نظافت نمازگزاران و زیارت‌کنندگان؛ چاه‌هایی که نزدیکی مسجد «فتح» و مسجد «جامع» بصره و نزد قبر حضرت حمزه سیدالشهداء (ع) در احد حفر گردیده برای این منظور بوده است. بر پایه برخی روایات، پیامبر خدا (ص) در آخرین سخنرانی خود، نکته مهمی در این باره فرمودند: «هرکس چاه آبی حفر کند و آن چاه به آب برسد و آب آن را در اختیار مسلمانان قرار دهد - مانند آنکه از آن آب وضو بگیرند و با آن وضو نماز بخوانند -

خداوند به وی پاداش بسیار خواهد داد و نیز به اندازه موهای بدن آدمیان، حیوانات درنده و اهلی و پرندگانی که از آن می‌نوشتند، به وی پاداش عظیمی عطا خواهد کرد و روز قیامت بر حوض پیامبر خدا ﷺ وارد خواهد شد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۳۷۱)

۷. تهیه آب در میقات برای استفاده و انجام وظایف میقات؛ مثل نمازها و غسل‌های وارد شده در این مکان.

۸. بجا گذاشتن باقیات الصالحات؛ وقف در راه خدا و کمک به نیازمندان؛ (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۵۴)

۹. پرداخت بدهی دیگران؛ در وصیت‌نامه حضرت رسول ﷺ آمده است که آن بزرگوار، دادن بدهی خود را به عهده حضرت علی ﷺ گذاشتند و ایشان نیز دین آن حضرت را ادا کردند. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۵)

۱۰. آزاد کردن بردگان؛ به طرق متعدد نقل شده است که حضرت علی ﷺ بیل می‌زدند و زمین آباد می‌کردند و از این راه، هزار برده را از مال خود آزاد ساختند. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۷۴)

موقوفات حضرت علی ﷺ

بر اساس شواهد تاریخی، حضرت علی ﷺ در سال‌های پایانی عمر با برکت خویش، تمامی اموال و دارایی‌های خود را در راه خدا و کمک به فقرا و نیازمندان وقف نمودند که این اموال علاوه بر چاه‌ها و چشمه‌ها و نخلستان‌ها و باغ‌هایی که حضرت به دست مبارک خویش حفر و احداث نمودند، املاک و خانه‌ها و مساجد متعددی را هم شامل می‌گردید که البته در وقف‌نامه‌های متعددی که از حضرت به جای مانده، اسامی موقوفات ایشان ذکر شده است. برای مثال، حضرت در وقف‌نامه‌ای، خانه‌ای در محله بنی زریق را وقف خاله‌های خود نمودند و نیز آن حضرت متن وقف‌نامه چاه ابی‌نیزر را همان هنگام که آب از آن جوشید، با درخواست قلم و کاغذ، به دست مبارک خود نگاشتند. و در آخرین وقف‌نامه‌ای که حضرت به دست مبارک خویش نوشتند، اسامی تعدادی از موقوفات خود را نام بردند که توضیح آن در ادامه ذکر خواهد شد.

قابل ذکر است که موقوفات حضرت علی ﷺ شامل چاه‌ها، چشمه‌ها، نخلستان‌ها و مزارع؛ املاک و خانه‌ها؛ مساجد است که به صورت مختصر معرفی خواهد گردید. در ذیل، ابتدا موقوفات آن حضرت، که نام آن‌ها در وقف‌نامه ایشان آمده است، ذکر خواهد شد و سپس سایر موقوفات ایشان بر اساس اسناد و مدارک موجود، بررسی خواهد شد.

۱. چاه‌ها، چشمه‌ها، نخلستان‌ها و مزارع

الف. ینبع: نام منطقه‌ای است در ۱۶۵ کیلومتری غرب مدینه؛ شهری بین مکه و مدینه از بلاد بنی حمزه در ساحل دریای سرخ و آن را به سبب چشمه‌های فراوانش به این نام خوانده‌اند. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۵۸) ینبع قلعه‌ای است که در آن، آب روان و مزرعه بسیار وجود داشته و از فضای پردرخت و نخلستان‌ها و آب‌های گوارای آن استفاده می‌کردند. اکنون بندر بزرگی است و نه منزل از مدینه به طرف مکه فاصله دارد. این منطقه به دارا بودن آب زیرزمینی بسیار و کیفیت خوب برای زراعت و درخت‌کاری و داشتن زمین مناسب برای کشت و کار و باغداری، معروف بوده است. ابن شهر آشوب تعداد چاه‌های امیرالمؤمنین (ع) را در ینبع بالغ بر یکصد حلقه ذکر نموده است. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲) البته برخی تعداد چشمه‌های آن را تا ۱۷۰ حلقه ذکر کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۳۲)

عمده فعالیت‌های اقتصادی امام علی (ع) طی ۲۵ سال خانه‌نشینی ایشان در منطقه ینبع به وقوع پیوسته است. پس از وفات امام علی (ع) این منطقه تحت اختیار اولاد امام حسن (ع) قرار گرفت. نام «ینبع» در کتب تاریخ، سیره و جغرافیا با نام امام علی (ع) عجین شده است. از برخی شواهد تاریخی برمی‌آید که نام «ینبع» را امام بر این منطقه نهادند. (ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۳۲)

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «در زمانی که رسول خدا (ص) اراضی فیء را تقسیم کردند، زمینی هم نصیب علی (ع) گردید. ایشان در این زمین، چاهی حفر کردند که آب از درون آن مانند جوشیدن خون از گردن شتر می‌جوشید، و به همین مناسبت، نام ینبع را - به معنای جوشیدن آب از زمین - بر آن نهادند.» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۵۴)

درباره چگونگی تسلط امام علی (ع) بر این منطقه، روایات متعددی رسیده است. ابن شَبَّه می‌گوید: هنگامی که رسول خدا ینبع را گرفتند، آن را به کُشد بن مالک جُهَنی اقطاع^۱ نمودند، کُشد گفت: یا رسول الله، من در حال پیری هستم، آن را به برادرزاده‌ام به اقطاع دهید. پیامبر به اقطاع به

۱. اقطاع/ اقطاع اراضی مملوک دولتی است که دولت آن‌ها را در برابر مالیاتی معین، برای استعدال در اختیار بعضی از شهروندان قرار می‌دهد، ولی مالکیت آن برای دولت باقی است. اما در این جا، منظور مطلق واگذاری است. (دانش نامه فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف، سیدجلیل محمدی خوانساری، قم، انتشارات اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳)

او دادند. پس از آن، عبدالرحمان بن سعد بن زراره انصاری آن را به ۳۰ هزار درهم از او خرید و به آنجا رفت، ولی وی در آن جا با بادهای شدید و سختی‌های فراوان مواجه گردید و قصد ترک آن را نمود. به هنگام بازگشت در نزدیکی یَنْبُع با علی بن ابی‌طالب علیه السلام مواجه گردید. امام از او پرسید: از کجا می‌آیی؟ جواب داد: از یَنْبُع می‌آیم و از آن بیزار شده‌ام. امام سؤال کردند: آیا قصد فروش آن را نداری؟ من آن را به قیمت خرید، از تو می‌خرم، گفت: مال تو باشد، پس از آن، امام به آنجا رفتند. (ابن‌شبهه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۹)

از تاریخ شروع اقامت امام علی علیه السلام در یَنْبُع اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از شواهد تاریخی چنین به دست می‌آید که این امر در اوایل دوره خلفا اتفاق افتاده و تا نزدیکی زمان خلافت آن حضرت تداوم یافته است.

چشمه‌های موقوفه حضرت علی علیه السلام در یَنْبُع عبارت بود از:

۱. البَغِیغَات (بَغِیغَه): «بَغِیغَه» چاهی است که آب آن نزدیک باشد، و به قولی، چاهی که به عمق یک قد یا در همین حد باشد. گویند: چاهی است نزدیک «رِشاء» در اطراف مدینه. (ابن‌شبهه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۳)

اولین چشمه‌ای که امام علی علیه السلام در یَنْبُع احیا کردند «بَغِیغَات» نام داشت. (همان، ص ۲۲۰) این چشمه، خود مشتمل بر چندین چشمه دیگر بود به نام‌های خِیف^۱ الأَرَاک، خِیف لیلی، و خِیف بَسْطَاس. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۷۷)

ابن‌شبهه بر اساس روایتی می‌نویسد: عبدالعزیز بن عمران، از سلیمان بن بلال، از جعفر بن محمد، از پدرش نقل کرده است که گفت: چون آب از چشمه‌های بَغِیغَه جوشید به علی در این باره مژده داده شد. فرمود: وارثان را خوشحال کند. سپس فرمود: این چاه‌ها وقف بر بینوایان، در راه ماندگان و فقرا است که هر کدام نزدیک‌تر باشند بهره ببرند. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۱۵۰)

«بَغِیغَه» مزرعه‌ای بود متعلق به امام علی علیه السلام که امروزه به آن «یَنْبُع النَّخْلِ» می‌گویند. آن حضرت این مزرعه را وقف مسلمانان تهی‌دست کردند. (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۹۶) واقعی می‌نویسد: میوه‌های بَغِیغَه در زمان علی علیه السلام به هزار و سق^۲ رسید. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۳)

۱. خِیف زمینی را گویند که از کوه پایین‌تر و از دره‌هایی که گذرگاه سیلاب است، بالاتر باشد. (همان)

۲. هر وسق معادل ۶۰ من است. (همان)

بُغِیغَات از چاه‌هایی است که علی (ع) خود حفر و اراضی آن‌ها را آباد کردند و آن‌گاه آن‌ها را وقف کردند. این‌ها همچنان در شمار صدقات و اوقاف ایشان بود تا هنگامی که حسین بن علی (ع) آن‌ها را به عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب داد تا از محصولاتش بخورد و خرج و بدهی خود را از محل درآمد آن بدهد، بدین شرط که دختر خویش را به همسری یزید بن معاویه بن ابی‌سفیان در نیاورد. عبدالله این چشمه‌ها را به معاویه فروخت. این چشمه‌ها همچنان در تصرف ماند تا هنگامی که بنی‌هاشم صوافی را در اختیار گرفتند. در این زمان، عبدالله بن حسن بن حسن درباره چشمه‌ها با ابوالعباس سفاح، خلیفه عباسی، گفت‌وگو کرد و خلیفه آن‌ها را به اوقاف یا همان صدقه به علی بن ابی‌طالب (ع) برگرداند. این چشمه‌ها وقف ماند تا آنکه ابوجعفر منصور در دوران خلافت خود، آن‌ها را تصرف کرد. هنگامی که مهدی عباسی به خلافت رسید حسن بن زید در این باره با او گفت‌وگو کرد و تاریخ این اوقاف را برای او بازگو نمود. مهدی خلیفه عباسی نیز به زُفر بن عاصم هلالی، که کارگزار او در مدینه بود، نامه نوشت و وی این چشمه‌ها را همراه دیگر اوقاف علی (ع) برگردانید. (ابن‌شبهه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۳۱)

متأسفانه از سرانجام این موقوفه پس از آن اطلاعی در دست نیست.

۲. العینُ ابی‌نیزر: چشمه معروف دیگری در ینبع «عین ابی‌نیزر» نام دارد که حضرت این چشمه را به نام «ابی‌نیزر» که از بردگان آزاد شده ایشان است، نامیدند. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۷) خود ابی‌نیزر ماجرای احیای این چشمه را چنین گزارش کرده است:

من در دو زمین زراعی امام علی بن ابی‌طالب (ع) به نام «عین ابی‌نیزر» و «بُغِیغَه» مشغول کار بودم که امام (ع) به آنجا آمدند و به من فرمودند: آیا غذایی داری؟ گفتم: غذایی است که برای امیرمؤمنان نمی‌پسندم؛ کدویی است که از همین جاکنده و با روغن پیه نامطبوعی سرخ کرده‌ام. فرمودند: همان را بیاور. سپس حضرت برخاستند، بر لب جوی رفتند، دست خود را شستند و

۱. ابی‌نیزر از غلامان امام علی (ع) بود. وی فرزند نجاشی پادشاه حبشه بود که مسلمانان صدر اسلام به حبشه نزد او هجرت کردند. علی (ع) او را در مکه نزد تاجری دیدند. او را خریدند و به پاس خدمتی که پدرش نجاشی به مسلمانان مهاجر کرده بود، آزاد ساختند. گویند: پس از مرگ نجاشی، اوضاع حبشه آشفتہ شد و مردم آنجا هیئتی را نزد ابی‌نیزر، هنگامی که در خدمت علی (ع) بود، فرستادند تا حکومت را به او بسپارند و تاج سلطنت بر سرش نهند و تسلیم بی‌چون و چرای او باشند، ولی او نپذیرفت و گفت: پس از آنکه خداوند نعمت اسلام را به من بخشید دیگر خواهان ملک و سلطنت نیستم. ابی‌نیزر بسیار بلندقامت و زیاروی بود و مانند مردم حبشه سیاه‌پوست نبود، بلکه اگر کسی او را می‌دید مردی از نژاد عرب می‌پنداشت. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۷)

اندکی از آن غذا میل کردند و باز بر لب جوی رفتند و دست‌های خود را با خاک و شن کاملاً تمیز شستند. آن‌گاه دست‌ها را مشت کردند و مشتی آب از همان جوی نوشیدند و فرمودند: ای ابانیزر، کف دست‌ها پاکیزه‌ترین ظرف‌هاست؛ آن‌گاه با همان تری دست، بر شکم کشیدند و فرمودند: هر که با خوردن مال حرام، آتش در شکم خود کند از رحمت حق به دور است. سپس کلنگ را برداشتند و به درون چاه رفتند و مشغول کندن شدند، ولی آب بر نیامد، از آنجا بیرون آمدند، در حالی که پیشانی مبارکشان خیس عرق بود. عرق از پیشانی پاک کردند و باز کلنگ را برداشتند و به درون چاه رفتند و پیوسته کلنگ می‌زدند، به حدی که صدای نفس مبارکشان به گوش می‌رسید. ناگاه آب فوران کرد و مانند گردن شتر از زمین بیرون جست، امام به سرعت از چاه بیرون آمدند و فرمودند: خدا را گواه می‌گیرم که این چشمه آب، صدقه است. کاغذ و قلم برایم بیاور. من به سرعت کاغذ و قلم آوردم. حضرت نوشتند: «به نام خداوند بخشنده مهربان. این چیزی است که بنده خدا علی، امیرمؤمنان صدقه داده است. این دو چشمه به نام‌های «عین ابی‌نیزر» و «بُغِیغه» را بر فقرای مدینه و در راه‌ماندگان وقف نمودم تا بدین وسیله، در روز قیامت چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارم. کسی حق فروش و بخشش آن‌ها را ندارد تا آن‌گاه (یعنی قیامت) که خدا وارث آن‌ها شود و خدا بهترین وارثان است، مگر آنکه حسن و حسین بدان‌ها محتاج شوند که ملک خالص آن‌ها خواهد بود و هیچ‌کس دیگر حقی در آن‌ها ندارد.» (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۵۴)

چشمه ابی‌نیزر در نزدیکی بُغِیغه قرار داشته است و صیغه صدقات این دو چشمه با هم توسط حضرت علی علیه السلام خوانده شده و برای فقیران اهل مدینه و در راه‌ماندگان وقف شده است. از آن‌رو که ابی‌نیزر در زمین و مزرعه‌های این چشمه کار می‌کرده، «چشمه ابی‌نیزر» نام گرفته است؛ چه اینکه در وقف‌نامه حضرت هم تصریح شده است که ابی‌نیزر در آنجا پنج سال کار کند و از درآمد آن، زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین نماید.

۳. **العینُ البُحیر:** ابن‌شبه می‌نویسد: اموال علی در یَنبُع چشمه‌های پراکنده‌ای است. از جمله آن‌ها چشمه‌ای است به نام «عین البُحیر». (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲)

۴. **العین نولاً:** ابن‌شبه می‌نویسد: از موقوفات علی در یَنبُع چشمه‌ای دیگر است به نام «عین نولاً»، که امروز آن را «عَدَر» می‌گویند و همان است که گفته‌اند: علی - علیه السلام - با دستان خود، در آن کار می‌کرد. در جوار همین چشمه و در همین محله، مسجدی است که رسول خدا - صلی‌الله علیه وآله - در راه ذی‌العشیره و هنگامی که برای رویارویی با کاروان قریش عازم آنجا بودند در آن نماز گزاردند. (همان)

۵. **العَيْنُ الْحَدَثُ**: ابن شَبَه می‌نویسد: برای علی است، نه‌ری از چشمه‌ای به نام «عین‌الحدث» در یَنْبُع. (همان)

۶. **العَيْنُ الْعَصِيْبَه**: ابن شَبَه می‌نویسد: علی در یَنْبُع چشمه‌ای به نام «العَصِيْبَه» داشت که شامل باریکه‌هایی از اراضی موات بود. (همان)

حضرت در وقف‌نامه خود، به چاه و چشمه‌های وقف شده در یَنْبُع اشاره نموده و می‌فرمایند: چاه و چشمه‌هایی که در یَنْبُع داشتم و به نام من شناخته می‌شود و همچنین اراضی اطراف، همه صدقه‌اند و غلامانی که در این اراضی کار می‌کنند همه وقف هستند غیر از «رباح» و «ابی‌نیزر» و «جبیر» که اینان آزادند. کسی بر آنان حقی ندارد و آنان وابستگان من هستند و پنج سال در این چاه و مزرعه کار می‌کنند و خرجی و روزی خود و روزی کسانشان از عایدات همین املاک داده شود. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۴۹ / طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۱۴۶ / ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

بر اساس روایات، میزان محصولاتی که از این چشمه‌ها و چاه‌ها به دست می‌آمد زیاد بود. برای مثال، واقدی درآمد حاصل از میوه‌های بُغِيْعَه را افزون بر هزار وسق برشمرده است. البته درباره ارزش مجموعه این املاک اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما از روایتی که درباره عین ابی‌نیزر وارد شده تا حدی می‌توان به ارزش بالای آن‌ها پی برد. ابومحلم محمد بن هشام می‌گوید: زمانی امام حسین (ع) بدهکار شد، معاویه دویست هزار دینار برای خرید عین ابی‌نیزر نزد امام فرستاد و ایشان از فروش آن خودداری نموده، فرمودند: پدرم آن‌ها را صدقه داد تا چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارد و من آن‌ها را به هیچ قیمتی نخواهم فروخت. (میرد، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۱۲۸)

ابن شَبَه درباره سرانجام چاه‌ها و چشمه‌های وقف شده در یَنْبُع می‌نویسد: از آب این چشمه‌ها، شرب‌هایی در دست برخی اقوام است و برخی مدعی‌اند کارگزاران اوقاف آن‌ها را به ایشان داده‌اند. کسانی هم که این حق شرب‌ها را در اختیار دارند مدعی مالکیت آن‌ها هستند. در این میان، تنها «عین نولا» در شمار خالصه‌هاست، مگر چند نخلی در همین عین نولا که در دست زنی به نام «بنت یعلی» وابسته علی بن ابی‌طالب (ع) است. (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۰)

لازم به ذکر است که آنچه ابن‌شبه درباره سرانجام موقوفات حضرت ذکر کرده مربوط به زمان حیات خود مؤلف بوده (۱۷۳-۲۶۳ق) و پس از او در هیچ کتابی از سرانجام و عاقبت موقوفات آن حضرت، سخنی به میان نیامده است.

ب. وادی الْقُرَى: «وادی القری» از توابع خیبر و شهر آبادی است که نخلستان‌های بسیار و باغ‌ها و چشمه‌های فراوان دارد. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۳۴۸)

بر اساس برخی روایات، منطقه وادی القری در سال هفتم هجری به طریقی مشابه خیبر فتح گردید و با قرارداد مشابهی در دست یهودیان قرار گرفت و در زمان عمر، بین فاتحان آن تقسیم گردید و سهمی از آنجا به امام علی علیه السلام تعلق گرفت. حضرت علی علیه السلام در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مالک برخی چشمه‌ها و مزرعه‌های این وادی بودند (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۲۷) که در وقف‌نامه خود به آن‌ها اشاره نموده‌اند: «آنچه در وادی القری داشته‌ام یک سوم آن به اقطاع از آن فرزندان من است و غلامان در این املاک، صدقه‌اند. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۴۹ / طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۱۴۶ / ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

۱. العینُ المَوَات: ابن‌شبه می‌نویسد: همچنین علی در وادی القری چشمه‌ای به نام «موات» داشت. به روزگار فرمانروایی عباس بن حسن، این چشمه در اختیار دو تن به نام‌های مصدر کبیر (وابسته حسن بن حسن) و مروان بن عبدالملک بن خارست بود، حمزه بن حسن درباره این ملک برضد این دو اقامه دعوی کرد. به سود حمزه حکم کردند و در نتیجه، این ملک نیز در شمار اوقاف قرار گرفت. (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۴)

۲. العینُ النّافّة: یکی دیگر از اوقاف و صدقات حضرت علی علیه السلام است که در وادی القری واقع شده است. این ملک را «العین الحسن» هم می‌گویند و در «بیره»، از سرزمین «عُلا» قرار دارد. در روزگاران اخیر (به نقل از ابن‌شبه) این ملک در دست عبدالرحمان بن یعقوب بن ابراهیم بن محمد بن طلحه تیمی بود و حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی به روزگار فرمانروایی برادرش عباس بن حسن برضد او اقامه دعوی کرد و مدعی وقف بودن آن شد. در این باره، به نفع حمزه حکم کردند و این املاک در ردیف اوقاف قرار گرفت. (همان، ص ۲۲۱)

۳. وادی تُرْعَه: «تُرْعَه» نام دره‌ای است که از طرف قبله به «وادی اِضَم»^۲ می‌پیوندد و برخی آن را دنباله اِضَم می‌دانند. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۱۶۱) همچنین گفته شده: صحرائی است در حدود

۱. عُلا [بر وزن شما] نام جدیدتر همان وادی القری است؛ نام ناحیه‌ای است در وادی القری بین آن و بین شام. رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه رفتن به تبوک، در آنجا فرود آمدند و بعدها در مکان نماز ایشان، مسجدی ساخته شد. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۴۴)

۲. اِضَم، نام یک وادی در مدینه است و از آن روی بدین نام خوانده شده که سیل‌ها در آنجا به هم می‌پیوست. همین وادی در مدینه و از آنجا به سمت پایین قنات به این نام نامیده می‌شود. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۷)

«فدک»^۱ دارای نخل و اندکی آب که از کوه ریزش می‌کند. ابن‌شبه می‌نویسد: علی در ناحیه فدک و میان دو «حره»^۲ شرقی و غربی، یک وادی به نام «ترعه» داشت که در آن نخل‌هایی چند و باریکه‌ای از آب بود که در جوی کوچکی جریان می‌یافت و در شمار اوقاف او جای دارد. (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

حضرت در متن وقف‌نامه خود، از این وادی نام برده و فرموده‌اند: آنچه در وادی ترعه داشته‌ام و نیز کسان این وادی وقف و صدقه‌اند، و البته برای زریق همان حق و پیمانی است که برای دیگر دوستانش نوشته‌ام. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۴۹ / طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۱۴۶ / ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

موقوفات حضرت علی علیه السلام در وادی ترعه عبارت بود از:

۱. **الْأَسْحَن**: ابن‌شبه می‌نویسد: برای علی، در وادی ترعه در منطقه فدک، دره‌ای است که به آن «الْأَسْحَن» گفته می‌شود و جزو موقوفات ایشان است و قبیلۀ بنی‌فزاره نسبت به آنجا ادعای ملکیت و اقامت می‌کردند و امروزه آن ملک در دست متوّلان وقف و جزو موقوفات است. (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

۴. **الْقُصْبِيَّة**: نام دره‌ای است بین مدینه و خیبر و پایین دست وادی الروم و حوالی آن. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱۰، ص ۱۲۲۰) ابن‌شبه در کتاب خود می‌نویسد: باغی است در حدود فدک در بالای «حره رجلاء»^۳ که به آن «الْقُصْبِيَّة» گفته می‌شود و جزو موقوفات علی است. عبدالله بن حسن بن حسن

۱. «فدک» قریه‌ای است در منطقه حجاز که از آنجا تا مدینه نزدیک ۱۶۰ کیلومتر راه بود و مزارع و چشمه آبی در خود داشت. فدک در نزدیکی خیبر قرار داشت و با توجه به موقعیت استراتژیک خود، نقطه اتکای یهودیان حجاز به شمار می‌رفت. فدک پر از درختان نخل و چشمه‌های جوشان بود. زمین‌های حاصل‌خیزی داشت و از منابع مهم درآمد در منطقه حجاز محسوب می‌شد. ارزش درختان نخل این ناحیه در آن زمان، با ارزش درختان نخل شهر کوفه در قرن هفتم برابر بود. همچنین زمانی که عمر تصمیم گرفت اهل یهود را از عربستان خارج کند، مبلغ ۵۰ هزار درهم را بابت ارزش نصف فدک به آنان پرداخت کرد. روایات فراوانی گواه آن است که پیامبر فدک را به دخترش فاطمه علیها السلام بخشیده، و این موضوع در کتاب‌های تفسیر و حدیث و تاریخ و کلام و لغت موجود است و تعداد این روایات و مصادر نقل آن‌ها به حدی است که جای تردید باقی نمی‌گذارد. (یاقوت حموی رومی، یاقوت، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۲۳۸)

۲. «حره» به معنای سنگلاخ است.

۳. نام سنگلاخی است در دیار بنی‌القین بن جسر، میان مدینه و شام. (یاقوت الحموی، معجم البلدان، جلد ۲، ص ۲۴۶، ترجمه فارسی، جلد ۲، ص ۱۶۹)

این ملک را به بنی عمیر - هم‌پیمان عبدالله بن جعفر - واگذار کرد، مشروط به اینکه هرگاه محصول آن به ۳۰ صاع - به صاع‌های قدیم - بالغ گشت، یک ثلث آن صدقه باشد و پس از انقراض بنی عمیر به موقوفات برگردد. این ملک امروزه بر همین حال، در دست متولیان وقف است. (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

د. اُذَیْنَه^۱: نام یکی از وادی‌های «قَبَلِیَه» در اطراف مدینه است. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۳۲۰) املاک و بردگان آنجا صدقه‌اند؛ چنان که در متن وقف‌نامه حضرت این‌گونه آمده است: «آنچه در "اُذَیْنَه" داشته‌ام و نیز کسانش وقف و صدقه‌اند. (ابن‌شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵) از نوع املاک، تعداد و چگونگی و سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

هـ) فقیر (فَقْرَیْن): «فقیر» به معنای چاه یا چاله‌ای است که برای کار گذاشتن نخل حفر می‌کنند. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۷، ص ۴۵۲) «فقیر» اسم دو مکانی است در عالیه نزدیکی مدینه که آن‌ها را «فقرین» می‌نامند و پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ بخشیدند (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۶) و جزو موقوفات امام علی ﷺ است و حضرت در وقف‌نامه خود، از آن نام برده و فرمودند: فقیر - هم‌چنان که می‌دانید - از آن من بوده و وقف در راه خداست. (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۴۹ / طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۱۴۶ / ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵)

این زمین حاصل‌خیز در عصر ما نیز معروف است و به زبان محلی «الفُقَیْر» نامیده می‌شود. (نجمی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۲)

سایر موقوفات حضرت علی ﷺ عبارت است از:

و. حَرَّةُ الرَّجَلَاء (حَرَّةُ رَجُلَی): «حره» به معنای سنگلاخ است و «حَرَّةُ الرَّجَلَاء» نام سنگلاخی است در دیار بنی‌القین بن جسر، میان مدینه و شام. از آن روی بدین نام خوانده شده که راه رفتن در آن دشوار است و باید قدم به قدم جلو رفت. در صحاح آمده است: «حره الرجلاء» زمینی صاف و پر از سنگ است و راه رفتن در آن دشوار. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۸)

۱. ذات کُمات: ابن‌شبه می‌نویسد: ذات کُمات چهار چاه است در حَرَّةُ الرَّجَلَاء به نام‌های «ذوات العُشراء»، «قَعین»، «معید» و «رعوان» که مجموعاً از جمله موقوفات علی است. (ابن‌شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲)

۱. «اُذَیْنَه» مصغر «اُذُن» به معنای گوش است.

۲. **الأحمر:** نام کوهی است بالای قعیقعان در مکه که در دوران جاهلیت «اعرف» نام داشت. (باقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۵)

ابن شبه می‌نویسد: در حرّة الرّجلاء از ناحیه شعب زید یک وادی به نام «الأحمر» که یک بخش آن موقوفه است و یک بخش آن هم با بخشش علی - علیه السلام - به آل‌مناع از طایفه بنی‌عدی تعلّق یافته است؛ و همه این ملک در دست آنها بود تا اینکه حمزة بن حسن با آنها مخاصمه کرد و نصف آن را گرفت. (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۴)

۳. **البیضاء:** ابن شبه می‌نویسد: همچنین در حرّة الرّجلاء یک وادی که به آن «البیضاء» گفته می‌شود و در آن چند مزرعه و چند قطعه اراضی واگذاشته وجود داشت، اینها نیز جزو موقوفات او (حضرت علی (ع)) است. (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲)

ز. **عبّادان:** در روایت ابن شهر آشوب تصریح شده که حضرت علی (ع) در «عبّادان» در سمت غربی دجله و شمال بصره، که در جزیره بین دو نهر، قرار گرفته است، (باقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۶)، چاهی حفر کرده و سپس وقف نمودند و این چاه تا مدت‌ها وجود داشت و محل مراجعه مردم بود. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲) از کیفیت و چگونگی و سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نشده است.

ح. **أدبیه:** ابن شبه می‌نویسد: برای او (علی (ع)) در «أدبیه» در صحرائی «إِصَم» در اطراف مدینه موقوفاتی است. (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲)

نام این ملک با اندک تفاوتی در اعراب، در متن وقف‌نامه حضرت به نام «أدینه» آمده است. از کیفیت و چگونگی و سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

ط. **بئر الملک:** ابن شبه از دیگر موقوفات حضرت علی (ع) از چاهی به نام «بئر الملک» در وادی قنّاة در شمال مدینه نام برده است. (همان، ص ۲۲۳) از کیفیت و چگونگی و سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

۱. وادی قنّاة دره‌ای است که در شمال مدینه، از شرق جریان پیدا کرده و تا قبور شهدای اُحُد امتداد می‌یابد. ابن شبه آن را به نام «وادی الاحمر» معرفی کرده است. او در این باره می‌نویسد: هنگامی که حمزه - رحمه الله - به شهادت رسید، او را در همان مکان در پایین «جبل رمات» که کوهی کوچک در میانه وادی احمر است، دفن کردند. (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲)

ی. مزرعه‌ای در عین السکر: ابن شبه می‌نویسد: علی در عین سکر نیز مزرعه‌ای موقوفه داشت.

(ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۳)

از مکان جغرافیایی این مزرعه و همچنین کیفیت و چگونگی و سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی اطلاعاتی به دست نیامد.

ک. عقیقُ الاکبر: معروف‌ترین وادی مدینه، «وادی عقیق» است که گاه آب آن در برخی فصول بسیار فراوان است و آب مزارع غرب مدینه به سمت جنوب را تأمین می‌کند. این وادی را «وادی مبارک» نیز می‌نامند؛ زیرا رسول خدا ﷺ نسبت به آن عنایت ویژه داشتند. یاقوت حموی وادی عقیق را به سه ناحیه: «صغیر»، «کبیر» و «اکبر» تقسیم نموده و «عقیق اکبر» را با «بئر علی» معرفی می‌کند و مکان آن را در بطن ذی‌الحلیفه می‌داند. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۳۹) سمهودی نیز در ذکر حدود وادی عقیق، به نقل از مطری یک حد وادی عقیق را بئر علی علیا - معروف به «خلیقه» - و یک حد دیگر آن را بئر علی در «ذوالحلیفه محرم» معرفی نموده است. (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۰۴۱) با توجه به مجموعه این قرائن، می‌توان گفت: چاه‌های مزبور در همین مکانی که اکنون به «آبار علی» معروف است و در کنار مسجد شجره واقع است، حفر گردیده بود. برخی تعداد چاه‌های امام در این منطقه را ۲۳ حلقه ذکر کرده‌اند. (قائدان، ۱۳۷۴، ص ۴۰۳) از سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

ل. جُحفه: قریه‌ای بزرگ، بین راه مدینه و مکه که میقات اهل شام و مصر است. جُحفه در روزگاران قدیم، «مَهِیَعَه» خوانده می‌شد^۱ و آن منطقه را بدان علت که از آغاز غدیر خم تا ساحل دریای سرخ وسعت دارد، «مَهِیَعَه» خوانده‌اند و سپس «جُحفه» نامیده شد؛ زیرا سیل جُحاف آن وادی را از بین برد. جُحفه به علت سابقه مهم تاریخی‌اش و به سبب موقعیتش، که در راه حرمین و مسیر هجرت پیامبر اکرم ﷺ قرار گرفته و بدان سبب که میقات حاجیان است، اهمیت خاصی دارد. (یاقوت حموی رومی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۱۱) ابن شهر آشوب این منطقه را جزو موقوفات حضرت علی علیه السلام دانسته است. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۵) از سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

م. سُوَیْعَه (سُوَیْقَه): نام مکانی است نزدیک مدینه و آل‌علی علیه السلام در آن جا سکونت داشتند و از جمله موقوفات امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۳۸۶)

۱. «مَهِیَعَه» را مسیر فراخ و سرزمین وسیع می‌دانند.

ابن ابی‌الحدید در شرح نامه ۲۴ نهج البلاغه می‌نویسد: همگان می‌دانند که علی - علیه‌السلام - با دست‌رنج خود و به تن خویش در «مدینه» و «ینبع» و «سُویعه»، آب‌های فراوانی استخراج و زمین‌های بسیاری را احیا و آباد نموده است و سپس آن‌ها را از تملک خود بیرون کرده و به عنوان صدقه جاریه برای مسلمانان وقف نموده است.

ابن شهر آشوب نیز می‌نویسد: حضرت علی - علیه‌السلام - در این منطقه (سُویعه) چاه‌ها و چشمه‌های موقوفه‌ای داشته است. وی در ادامه اضافه می‌کند که حضرت چاه‌های دیگری نیز داشته که حضرتش وقف کرده است:

ن. چاه‌هایی در راه مکه؛ س. چاهی در مدینه نزد مسجد فتح؛ ع. چاهی در راه مدینه؛ ف. چاهی در کوفه؛ ص. چاهی در بصره؛ (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲) از سرانجام این موقوفات در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

۲. مساجد وقفی حضرت علی علیه السلام

از دیگر موقوفات حضرت علی علیه السلام که ابن شهر آشوب در کتاب خود به آن‌ها اشاره نموده؛ مسجد است. وی می‌نویسد: طبق گواهی تاریخ، مسجد نخستین رقبه وقفی بوده است که در فرهنگ اسلام مطرح شده و از بدو ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به مدینه، صیغه وقف بر قطعه زمینی جاری شد که بعدها در محل آن، مسجدی احداث شد. در دوران حضرت علی علیه السلام نیز این سنت حسنه ادامه یافت. حضرت علاوه بر مشارکتی که در ساختن سایر مساجد مانند مسجد النبی صلی الله علیه و آله داشتند، بیش از شش باب مسجد نیز خود مستقلاً بنا کردند و وقف نمودند که عبارتند از:

الف. **مَسْجِدُ الْفَتْحِ**: این مسجد در مدینه، در مکانی که دعای پیامبر صلی الله علیه و آله برای پیروزی مسلمانان در جنگ خندق به اجابت رسید، واقع شده است. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۹، ص ۱۲۰) از سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

ب. **مَسْجِدُ الْجَامِعِ الْبَصْرَةِ**: از مکان دقیق این مسجد و سرانجام وقف آن، اطلاعی در دست نیست. (تأسیس و تعمیر مساجد از نشانه‌های ایمان به خدا و آخرت است و امیر مؤمنان علیه السلام مساجدی بنا کرده است که نام برخی از آنها در تواریخ اسلامی ضبط شده است. از آن جمله است: مسجد الفتح در مدینه، مسجدی در کنار قبر حمزه، مسجدی در میقات، مسجدی در کوفه، مسجدی در بصره). (ر.ک. مناقب، ج ۱، ص ۳۲۳ / بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۲)

- ج. مسجدی در منطقه احد: این مسجد در مقابل قبر حمزه، عموی پیغمبر ﷺ قرار گرفته است. (قائدان، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱) از سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.
- د. مسجدی در میقات حج: از مکان دقیق این مسجد و سرانجام وقف آن، اطلاعی در دست نیست. (ر.ک. مناقب، ج ۱، ص ۲۲۳ / بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۳۲)
- ه. مسجدی در کوفه: از مکان دقیق این مسجد و سرانجام وقف آن، اطلاعی در دست نیست. (همان)
- و. مسجدی در عبّادان: از مکان دقیق این مسجد و سرانجام وقف آن، اطلاعی در دست نیست. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۵)

۳. املاک و خانه‌های موقوفه حضرت علی علیه السلام:

الف. خانه‌ای در محله بنی زُرّیق: یکی از حالات وقف خاص امام، وقف خانه‌ای در مدینه در محله «بنی زُرّیق» بر خاله‌های خود است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خانه‌ای در محله بنی زُرّیق داشتند و بدین صورت آن را وقف کردند: «به نام خدای بخشاینده مهربان. این است آنچه علی بن ابی طالب آن را در حالی که زنده و کامل بود، صدقه کرد. وقف نمود خانه خود را که در بنی زُرّیق قرار دارد، صدقه‌ای که فروخته نمی‌شود و هبه نمی‌گردد تا خدایی که وارث آسمان و زمین است آن را وارث شود. و در این خانه، خاله‌های خود را سکونت داد مادامی که خود یا اولادشان زنده هستند و وقتی مرگ آن‌ها فرارسید برای محتاجانی از مسلمانان باشد». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۸۷) از سرانجام این موقوفه در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

آنچه ذکر شد اسامی موقوفاتی بود که در کتب تاریخی از آن‌ها نام برده شده و شاید تعداد موقوفات آن حضرت بیش از این‌ها بوده و اسناد و مدارک آن‌ها در طول تاریخ و گذر زمان (عمداً یا سهواً) از بین رفته باشد. حتی موقوفاتی که حضرت به صراحت، نام آن‌ها را در وقف‌نامه خود آورده و صیغه وقف بر آن‌ها جاری ساخته بود، در طول زمان و با روی کار آمدن حکومت‌های گوناگون، بارها از عرصه وقف خارج و جزو اموال شخصی آنان گردید و متأسفانه اکنون نیز سرانجام هیچ‌یک از موقوفات آن حضرت مشخص نیست.

نکته حائز اهمیت در بررسی موقوفات حضرت، تأثیر موقوفات ایشان در تمدن‌سازی و پیشرفت و توسعه نظام اسلام است؛ نظامی که توسط پیامبر گرامی ﷺ پایه‌ریزی شد و در سنت ایشان نمود پیدا کرد و پس از ایشان در کلام و سیره ائمه معصومین و بیش از همه در سیره حضرت علی علیه السلام ظهور و بروز یافت.

اهتمام فوق‌العاده امیرالمؤمنین (ع) به سنت وقف، با توجه به درایت و حکمت بی‌نظیر ایشان، حاکی از اهمیت این سنت در مکتب اقتصادی اسلام است و با توجه به این رویکرد امام علی (ع)، شایسته است که به وقف به عنوان یک نهاد مؤثر اقتصادی توجه شود. ویژگی عمده وقف این است که کارکردهای اقتصادی آن تا حد زیادی متفاوت از کارکردهای دو بخش مرسوم اقتصاد، یعنی بخش خصوصی و دولتی است؛ زیرا وقف به لحاظ ارتباط موارد مصرف آن با تأمین نیازهای دولتی، مشابه نهادهای بخش دولتی است؛ ولی از این نظر که منابع مالی و مدیریت آن اصالتاً به عهده بخش خصوصی است، همانند نهادهای بخش خصوصی است. از این رو، در اقتصاد جدید، این گونه نهادها به عنوان بخش سوم اقتصاد شناخته می‌شوند.

سنت حسنة وقف در مکتب اقتصادی اسلام، دارای امتیازات ویژه‌ای است؛ زیرا اولاً، در جامعه اسلامی به سبب وجود انگیزه‌های معنوی و ایمان به جهان آخرت، زمینه مساعدی برای تثبیت این رفتارها وجود دارد. ثانیاً، این سنت حسنه علاوه بر اینکه انگیزه نیرومند و مقدسی را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به وجود می‌آورد، مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلامی، یعنی توزیع عادلانه ثروت و درآمد را نیز محقق می‌سازد. ثالثاً، وقف راهبرد اقتصادی مناسبی برای تحقق مردم‌سالاری دینی است و انتظار می‌رود با تقویت این نهاد، بسیاری از هزینه‌های دولتی توسط خود مردم تأمین گردد و زمینه‌های حضور دولت در اقتصاد به حداقل مقدار آن کاهش یابد. با وجود این، اطمینان از کارایی عملکرد این نهاد، در شرایط اقتصاد جدید، بررسی‌های فقهی و کارشناسی تازه‌ای را می‌طلبد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. نهاد وقف با لغات و واژگان متفاوت از دیرباز، حتی پیش از ظهور دین مبین اسلام در میان جوامع به اشکال گوناگون وجود داشته است و مردم از دیرباز با این امر خیر و انسان‌دوستانه آشنایی داشته‌اند و با ظهور اسلام و ترویج تعالیم و دستورات این دین مبین مبنی بر انجام اعمال خیرخواهانه و خداپسندانه در جهت تأمین نیازهای مردم و به دنبال آن با تأکیدهای پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) و ائمه معصومین (ع) در کلام و سیره و سنت ایشان، این سنت حسنه به صورت بارز، مورد استقبال مردم، به ویژه مسلمانان، قرار گرفت. پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مکرّم ایشان (ع) نیز در زمان حیات گهربار خویش، به سبب آینده‌نگری و تأمین منافع و

مصالح مسلمانان به طور عملی، سنت نیکوی وقف را به دیگران آموزش می‌دادند و خود نیز، هم در کلام و هم در سیره عملی، مروج این فرهنگ و سنت حسنه بودند. در میان ائمه معصومین^{علیهم‌السلام}، بیش از همه حضرت علی^{علیه‌السلام} دارای موقوفات است. در کتب تاریخی^۱ آمده است که آن حضرت در طول زندگانی پرخیر و برکت خویش، تمامی اموال و دارایی‌های خود را - که همه از راه حفر چاه و احداث نخلستان و کشت و زرع به دست آمده بود - در راه خدا وقف نمودند تا این صدقه جاریه همیشه برای آن حضرت باقی بماند. بر اساس اسناد موجود،^۲ درآمد سالانه حضرت علی^{علیه‌السلام} از موقوفات خویش بالغ بر ۴۰ هزار دینار بوده که همه صرف خدمت به جامعه اسلامی و امور خیریه و گسترش اسلام و کمک به محرومان و نیازمندان می‌شده است.

اهتمام فوق‌العاده امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام} به سنت وقف، حاکی از اهمیت این سنت در مکتب اقتصادی اسلام است و با توجه به این رویکرد امام علی^{علیه‌السلام} شایسته است که به وقف به عنوان یک نهاد مؤثر اقتصادی توجه شود. با در نظر گرفتن این نکته بسیار مهم که حضرت علی^{علیه‌السلام} با توجه به نیاز جامعه اسلامی زمان خود و شرایط جغرافیایی قلمرو اسلامی صدر اسلام، با حفر چاه و احداث نخلستان و وقف آن‌ها برای تأمین نیاز جامعه اسلامی اقدام نموده‌اند، به تمامی مسلمانان و خیران را به این مهم رهنمون شده‌اند که متناسب با نیاز روز جامعه، دارایی‌های خود را وقف کنند.

امید است مردم جامعه اسلامی ما با تمسک به سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} به ویژه حضرت علی^{علیه‌السلام} در انجام سنت حسنه وقف - این امر انسان‌دوستانه و خداپسندانه - علاوه بر احیای سنت رسول‌الله و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} گام مؤثری در راه رشد و گسترش فرهنگ اسلامی و در پرتو آن، هموار کردن راه‌های توسعه اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی بردارند. ان شاء الله.

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، ط.

الثانیه، قم، المطبعة العلمیه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. قال علی^{علیه‌السلام}: «لقد رأيتني مع رسول الله صلى الله عليه وآله و إني لا ربط الحجر على بطني من الجوع و إن صدقه مالي لتبلغ أربعين ألف دينار»؛ علی^{علیه‌السلام} فرمود: مرا در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دیدم که از گرسنگی، سنگ بر شکم خود می‌بستم، در حالی که امروزه صدقه مالم بالغ بر چهل هزار دینار است. (شیبانی، احمد بن محمد بن حنبل، المسند، تحقیق: عبدالله محمد درویش، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۱۳۶۸ و ج ۲، ص ۷۱۲، ح ۱۲۱۸)

فهرست منابع

۲. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن محمد، **شرح نهج البلاغه**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثانيه، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۸۷.
۳. ابن شبه نمیری بصری، **تاریخ المدینه المنوره**، تحقیق فہیم محمد شلتوت، بیروت، دار التراث، ۱۴۱۰.
۴. ابن شہر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شہر آشوب)**، ط. الثانيه، قم، المطبعه العلمیه، ۱۴۰۴.
۵. ابن مغازلی، علی بن محمد بن محمد واسطی شافعی، **مناقب علی بن ابی طالب علیہ السلام (المناقب لابن المغازلی)**، اعداد محمد باقر بهودی، ط. الثانيه، طهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۲.
۶. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، **شرح نهج البلاغه**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۷. تلمسانی، علی بن محمد بن مسعود خزاعی، **تخریج الدلالات السمعیہ**، تحقیق الدكتور احسان عباس، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۵.
۸. حجاریان، محسن، «فرهنگ وقف در اسلام»، **فصلنامه مشکوٰه**، ش ۵۰ (بهار ۱۳۷۵).
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعہ**، قم، مؤسسہ آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. _____، **وسائل الشیعہ**، قم، مؤسسہ آل البیت، ۱۴۰۹.
۱۱. دشتی، محمد، **ترجمہ نهج البلاغه**، چ چهل و ہفتم، قم، مؤسسہ تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۹.
۱۲. سمہودی، علی بن عبد اللہ حسنی شافعی، **وفاء الوفاء باخبار دار المصطفیٰ**، تحقیق عبدالحمید، محمد محیی الدین، ط. الثاني، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۱۳. شریف رضی محمد بن حسین موسوی، **خصائص الأئمة علیہم السلام (خصائص امیرالمؤمنین علیہ السلام)**، تحقیق محمد ہادی الأمینی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیہ التابع للحضرة الرضویۃ المقدسہ، ۱۴۰۶.
۱۴. شکوری، سید احمد، «موقوفات امیرالمؤمنین»، **فصلنامه میراث جاویدان**، ش چهارم (زمستان ۱۳۷۳).
۱۵. شیبانی، احمد بن محمد بن حنبل، **المسند**، تحقیق: عبد اللہ محمد درویش، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷۱۲، ح ۱۲۱۸.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین، **الخصال**، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی، الطبعة الرابعہ، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، **اختیار معرفة الرجال (خلاصہ رجال کشی)**، تصحیح حسن مصطفوی، چ سوم، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۷۱.
۱۸. _____، **تہذیب الأحکام فی شرح المقننہ**، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۱.

۱۹. عالمی، حسن، «علی علیه السلام و استخراج آیه‌های زیرزمینی»، نشریه فرهنگ جهاد، شماره ۷-۸، صص ۲۶۳-۲۷۶، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
۲۰. علامه حلی، جمال‌الدین ابومنصور حسن بن یوسف، کشف‌الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق علی الکوثر، قم، مجمع احیاء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱.
۲۱. فروزش، روح‌الله، مجموعه قوانین و مقررات اوقاف، چ سوم، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹.
۲۲. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چ دهم، قم، دارالعلوم، ۱۳۶۲.
۲۳. قائدان، اصغر، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، چ نهم، تهران، مشعر، ۱۳۸۶.
۲۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱.
۲۵. کوفی قاضی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام (المناقب للکوفی)، تحقیق محمدباقر المحمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۲.
۲۶. مبرّد، محمد بن یزید ازدی، الکامل، تحقیق محمد احمد الدالی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ط. الثانية، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳.
۲۸. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق هاشم الرسولي المحلاتی، ط. الثالثة، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۰.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، موسوعة الإمام علی بن ابی طالب فی الكتاب والسنة والتاریخ، بمساعدة محمدکاظم الطباطبائی و محمود الطباطبائی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۱.
۳۰. محمدی خوانساری، سیدجلیل، دانش‌نامه فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف، قم، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳.
۳۱. مفید، عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳.
۳۲. نجمی، محمد صادق، تاریخ حرم ائمة بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، تهران، مشعر، ۱۳۸۰.
۳۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ط. الرابعة، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۸.
۳۴. یاقوت حموی، شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹.
۳۵. یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۱.